



Granting Parole to Prisoners in the Criminal Law of Iran and France

اعطای آزادی مشروط به زندانیان در حقوق کیفری ایران و فرانسه

Zahra Nazari

Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran

زهرا نظری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران

Zah.naz64@gmail.com

Abstract

Iran's legislator has long since accepted the judicial establishment of parole and has taken effective steps in the implementation of the policy of decriminalization and in particular removing of imprisonment, which can help the convict and society to reform and educate him/her and encourage her/him to definitely return to her/him family and community. Of course, this action requires the reform and creation of infrastructures in the judicial system and the organization of prisons. In French criminal law, the institution of parole is one of the most important aspects of the criminal justice system, which focuses on the resocialization of the convict. Although the prison sentence, in addition to general deterrence, provides social defense, especially in serious crimes, but with the passage of time, society gets used to the severity and violence of those punishments, and when the society is no longer deterred by those punishments as expected by the legislator, it's time that the personal and social disadvantages of prison make the society suffer from the inflation of the criminal population and increasing decriminalization. Paying attention to the parole system as one of the first generation measures of alternatives to imprisonment and an important issue in the direction of reform and rehabilitation, considering its wide effectiveness, is still involved in some differences of interpretations in terms of substantive and formal provisions which is the correct way of granting It has sometimes faced ambiguities.

Keywords: Parole, Prison Sentence, Convict, Correction and Rehabilitation.

چکیده

قانون‌گذار ایران از دیرباز با پذیرش تأسیس قضایی آزادی مشروط گام‌های مؤثری در اجرای سیاست کیفرزدایی و به طور خاص زندان زدایی برداشته که این امر در جهت نفع محکوم و جامعه می‌تواند به اصلاح و تربیت بزهکار کمک کند و او را به بازگشت قطعی به کانون خانواده و جامعه خویش ترغیب و تشویق نماید. البته لازمه این عمل اصلاح و ایجاد زیرساخت‌هایی در دستگاه قضا و سازمان زندان‌ها است. در حقوق کیفری فرانسه، نهاد آزادی مشروط یکی از موارد مهم سیستم عدالت کیفری است که بر اجتماعی شدن مجدد محکوم تمرکز دارد. اگرچه مجازات زندان افزون به بازدارندگی عام، دفاع اجتماعی را به‌ویژه در جرم‌های مهم به‌خوبی فراهم می‌کند، اما جامعه با گذشت زمان با شدت و خشونت آن مجازات‌ها عادت می‌کند و زمانی که جامعه دیگر در حد انتظار قانون‌گذار از آن مجازات‌ها بازدارنده نمی‌شود، آن وقت است که عوارض و معایب ناگوار فردی و اجتماعی زندان، جامعه را دچار تورم جمعیت کیفری و جرم زدایی فزاینده می‌کند. توجه به نظام آزادی مشروط در جایگاه یکی از تدابیر نسل اول جایگزین‌های حبس و موضوعی حائز اهمیت در راستای اصلاح و بازپروری، با توجه به کارایی وسیعی که دارد، همچنان از جهت مقررات ماهوی و شکلی درگیر برخی اختلاف تفاسیر بوده که این امر شیوه اعطای صحیح آن را گاه با ابهاماتی رو به رو کرده است.

واژگان کلیدی: آزادی مشروط، مجازات حبس، محکوم علیه، اصلاح و بازپروری.

ارجاع:

نظری، زهرا؛ (۱۴۰۲)، اعطای آزادی مشروط به زندانیان در حقوق کیفری ایران و فرانسه، تمدن حقوقی، شماره ۱۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

مقدمه

قانون‌گذار هر کشوری با وضع قوانین کیفری سیاست خاصی را دنبال می‌کند و یکی از این سیاست‌ها، اصلاح و انطباق اجتماعی بزهکار است و یکی از تأسیسات کیفری که بیش از هر مسئله‌ای به اصلاح و انطباق اجتماعی بزهکار توجه دارد، آزادی مشروط است که آن را می‌توان یکی از نتایج پیدایش مکتب تحقیقی در قرن نوزدهم میلادی دانست و در فرانسه نیز، تحت تأثیر نظرات طرفداران مکتب تحقیقی (مجرم محور) حقوق جزا، در سال ۱۸۸۵ میلادی در قانون جزای این کشور پذیرفته شد و از آن به بعد در بسیاری از کشورها مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفت (زراعت، ۱۳۹۴، ۱۰۳).

قانون‌گذار فرانسوی برای به حداقل رساندن معایب زندان‌های کوتاه مدت، تدابیر مختلفی را پیش‌بینی کرد. از جمله این که گاه میزان آن‌ها را در قانون کاهش داد و یا از روش معافیت از مجازات استفاده کرد. راه‌حل دیگری که قانون‌گذار فرانسه پیش‌بینی کرده تکلیف قضات به مستند و مستدل نمودن احکام کیفرهای کوتاه مدت حبس است و در نهایت تدبیر دیگر قانون‌گذار فرانسه، جایگزین‌های مجازات حبس بوده است. قانون‌گذار ایران نیز به علت مفید بودن این سیستم کیفری، نهاد آزادی مشروط را از قوانین جزایی فرانسه اقتباس و به تصویب رساند. بر این اساس وقتی قانون و مقرراتی وجود داشته باشد که بگوید که چنانچه زندانی نظم محیط زندان را رعایت کند و به اصول و مقررات زندان پایبند است و در طول مدت حبس، راه‌های اصلاح و بازاجتماعی شدن را بیاماید، می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند، این خود باعث تشویق زندانی می‌شود که هر چه سریعتر راه‌های اصلاح و برنامه‌های تربیتی را انجام دهد و

از سوی دیگر در پیشگیری از تکرار جرم مؤثر خواهد بود. بنابراین مدیریت زندان باید اصول راهبردی پیشگیرانه را در مورد زندانیان جهت اصلاح و بازپروری آنها اعمال کند.

گاه پیش می‌آید که زندانیان در طول مدت حبس، اصلاح شده و آماده حضور در جامعه هستند، یعنی برنامه‌های زندان در جهت اصلاح او مؤثر بوده و ماندن او در زندان، دیگر نفعی چه برای او و چه برای زندان ندارد، در این صورت چنانچه مدیریت زندان صلاح بداند، می‌تواند او را قبل از اتمام مدت حبس تحت شرایطی آزاد کند. از جهت علمی نیز نگاهداری مجرمی که اصلاح شده بی‌فایده است و علاوه بر آن که جامعه می‌تواند از نیروی فعال او استفاده کند، باید امکانات موجود در جهت اصلاح دیگران به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، آزادی مشروط علاوه بر نفع فردی متضمن منافع اجتماعی و متکفل دفاع اجتماعی نیز هست، بدین لحاظ در قانون‌گذاری‌های مختلف، آزادی مشروط محکومان به حبس پذیرفته شده است و یکی از مبانی سیاست جنایی جدید به شمار می‌رود (نوربها، ۱۳۸۸، ۴۳۰).

در حقوق کیفری فرانسه آزادی مشروط هدف سه گانه‌ای را دنبال می‌کند و این انگیزه‌ای برای بازپروری برای محکوم بوده در حالی که او در زندان است؛ این یک توسعه آزمونی برای موفقیت برنامه توانبخشی است که هدف آن در مورد محکومان در زندان این است که انگیزه‌ای برای کمک به آنها فراهم شود تا واقعاً از نظر اخلاقی و اجتماعی بازسازی شوند. البته قبل از این که به محکوم آزادی مشروط داده شود، باید شواهد جدی دال بر بازسازی واقعی اجتماعی وی وجود داشته باشد، در غیر این صورت صرف خوب بودن در زندان دلیل کافی برای بازآفرینی اجتماعی محکوم نیست. قانون‌گذار ایران نیز با تأسیس این نهاد از وارد شدن آسیب‌های اجتماعی بر پیکره جامعه جلوگیری کرده و همچنین با فرد بزهکار و همچنین خانواده‌های این افراد که به نوعی از در بند بودن بزهکار دچار آسیب‌ها و یا به بیان بهتر گرفتار ضرر و زیان‌های مادی و معنوی گردیده‌اند و نوعی ناراحتی و دلخوری را از قانون‌گذار در ضمیر ناخودآگاه خود احساس می‌کند، آشتی را حاکم می‌کند و همچنین قانون‌گذار با اجرای این شیوه ما را در راستای اجرای اصل فردی کردن مجازات یاری خواهد کرد.

در حال حاضر مجازات حبس به علت کثرت و افزایش زندانیان و به تبع آن هزینه‌های هنگفت جهت اداره آن و از طرفی به علت عدم موفقیت برنامه‌های اصلاحی زندان‌ها، همگی گویای عدم کارایی زندان نسبت به سابق بوده و لذا شایسته است به نهاد آزادی مشروط که در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مفید و کارآمد است بیشتر توجه شود و شرایط اعطای آن توسط مقنن آسان‌تر شود، تا شاهد کاهش آمار

زندانیان باشیم. در این پژوهش، نهاد آزادی مشروط در حقوق کیفری ایران و فرانسه را مورد بررسی قرار خواهیم داد. با توجه به ماهیت موضوع، تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش تحقیق، به صورت نظری می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به صورت توصیفی خواهد بود.

۱- مفهوم آزادی مشروط در حقوق ایران و فرانسه

در لغت منظور از آزادی مشروط یعنی در اصل مراقبت و کنترل مجرمانی است که با دارا شدن شرایط خاص به بطن جامعه بازگردانده می‌شوند. به عبارت بهتر دوباره اجتماعی شدن در صورت حصول رعایت شرایط خاص در زمان مراقبت و پایش در حبس (زراعت، ۱۳۹۲، ۲۴۵). هرچند در قوانین جزایی تعریف خاصی از آزادی مشروط ملاحظه نمی‌شود، لیکن در ترمینولوژی حقوق چنین تعریف شده: «نوعی از آزادی که در شرایط مقرر قانونی به حکم دادگاه صادرکننده دادنامه قطعی محکومیت، به محکوم در حبس داده می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۱۳۷).

مطابق با ماده ۵۸^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲۵ در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط چهارگانه مندرج در آن حکم، آزادی مشروط را صادر کند. بنابراین منظور از آزادی مشروط این است که مجازات محکوم پیش از تمام شدن مدت آن معلق شود و محکوم در طی دوره‌ای تحت آزمایش قرار گیرد تا هرگاه رفتار وی مطلوب و پسندیده بود، مطلقاً آزاد شود و در صورتی که محکومیت جزایی او را پشیمان از عمل خود و متنبه نکرده باشد، باقیمانده مجازات در حق وی اجرا شود. به عبارت دیگر، در صورت تکرار یا ارتکاب عمدی جرائم مقرر قانونی علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا در می‌آید.

در حقوق کیفری فرانسه، مشروط به معنای کلمه افتخار است که اغلب آن را در رابطه با زندانیان به

۱- ماده ۵۸: در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند.

کار می‌برند و ایشان قول می‌دهند در ازای آزادی زودهنگام از زندان، شرایط خاصی را انجام دهند. به بیان دیگر در این کشور آزادی مشروط مکانیزمی است که به موجب آن محکومانی که در حین زندان شواهدی مبنی بر بازسازی اجتماعی نشان داده‌اند، می‌توانند قبل از تاریخ آزادی رسمی به طور مشروط آزاد شوند. البته این آزادی زودهنگام تابع شرایط کنترلی خاص و اقدامات کمکی است (Encyclopédie, 2001, 2). بنابراین آزادی مشروط نهادی است که به مقامات قضایی اجازه می‌دهد محکوم‌علیه را به شرط داشتن رفتار خوب در مدتی که در زندان بوده است برای بقیه مدت حبس آزاد گرداند. مزیت این نهاد اولاً امکان اصلاح زندانی زودتر از موعدی است که قاضی بتواند تصور کند و ثانیاً امکان نظارت و مراقبت او از روزی که آزاد می‌گردد می‌باشد تا ورود او به جامعه آسان گردد.

۲- آثار آزادی مشروط در حقوق ایران و فرانسه

در حقوق کیفری ایران، نظام آزادی مشروط هم به نفع جامعه است و هم به نفع خود فرد (زندانی)، به این صورت که جامعه می‌تواند از فرد استفاده کند و به اهداف مجازات‌ها برسد و باعث اصلاح و بازاجتماعی کردن زندانی شود و همچنین زندانی به اصلاح نزدیک‌تر می‌شود و موجبات پیشگیری از تکرار جرم به وجود می‌آید و از طرفی هم به کاهش جمعیت کیفری زندان کمک می‌کند. برخی از حقوق‌دانان ایرانی، آزادی مشروط را یکی از ابزارهای مقابله با تکرار جرم دانسته و امیدوارند که تهدید اجرای مجازات در مدت آزادی مشروط تغییر مطلوبی در رفتار محکومان پدید آورد. به این ترتیب، فرض بر این است که سازگاری اجتماعی محکومان به حبس که عموماً پس از پایان محکومیت و از سرگیری زندگی جدید با دشواری جدی روبرو هستند و احتمال سقوط آنان قوی است، تسهیل گردد (اردبیلی، ۱۳۹۴، ۲۲۶). برخی دیگر بر این عقیده‌اند که آزادی مشروط باعث می‌شود که در مخارج عمومی کشور صرفه جویی شده و به افراد صالح جامعه، هزینه نگهداری زندانی تحمیل نگردد. در غیر این صورت، افراد جامعه ناچارند به طور غیرمستقیم هزینه آن‌ها را متقبل شده و این وجوه بی‌جهت، صرف عده‌ای از افراد شود که حقوق جامعه را نادیده گرفته‌اند (شامبیاتی، ۱۳۹۳، ۱۸۰).

به طور کلی حقوق‌دانان ایران، جهت توجیه قبول آزادی مشروط دلایلی را عنوان می‌نماید: هدف اصلی و مهم مجازات، اصلاح و تربیت مجرم برای بازگشت مجدد او به جامعه است، حال چنانچه این هدف قبل خاتمه مدت محکومیت تحقق یابد، عقل سلیم و منطقی حکم می‌کند که متهم زودتر از موعد

مقرر از زندان آزاد شود. نهاد آزادی مشروط با در نظر گرفتن امکان اصلاح محکوم و توجه به تمهیدات محکوم محبوس که دارای حسن اخلاق و نادم از عملکرد گذشته است، بتواند با رجعت مجدد به موقعیت قبل از محکومیت هرچند پس از تحمل نصف مجازات حبس، منتفع اجتماع زندگی و نیز حق متعلقه گردد. محکوم مجبور است برای رهایی از بازداشت، قوانین مدونه را رعایت کرده و پس از آزادی نیز برای مدتی طبق شرایط مقرر عمل کند (صانعی، ۱۳۹۳، ج ۲، ۳۰۳).

مطابق با توجه به بند الف^۲ ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این نهاد علاوه بر اصلاح و بازگشت مجرم به زندگی عادی به دنبال ایجاد نظم در زندان و پیروی او از قوانین زندان در دوران محکومیت خود می‌باشد. با پیش‌بینی آزادی مشروط محکوم به حبس ملزم است رفتار خود را با مأمورین وزندانان به گونه‌ای تنظیم نماید که به حسن اخلاق و رفتار در محیط زندان مشهور شود. زندان موجب ایجاد رفتار پرخاشگرانه در فرد می‌گردد، اما آزادی مشروط به‌عنوان روزنه امیدی برای فرد می‌باشد که محکوم با امید به آن روحیه پرخاشگری و ستیزه‌جویی را کنار گذاشته و به دنبال نشان دادن رفتار متعادل در دوران حبس از خود می‌باشد. می‌توان گفت آزادی مشروط، اصولاً اثر اصلاحی دارد، چون علاوه بر موظف کردن فرد برای داشتن حسن رفتار در زندان به منظور استفاده از آزادی مشروط، در مدت آزادی مشروط نیز با داشتن زندگی صالح برای حفظ آزادی و تبدیل آزادی مشروط به آزادی قطعی، به نوعی به این زندگی شرافتمندانه عادت کرده و از تمایلش به انجام جرم کاسته می‌شود.

با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایجاد نهاد آزادی مشروط سبب می‌شود مجرم تا آنجا که استطاعت مالی دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را پردازد و یا قرار یا ترتیبی برای پرداخت آن اختصاص دهد (بند پ^۳ ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). این گونه باعث می‌شود حقوق بزه دیده نیز رعایت شده و رضایت او اخذ شود. به طور کلی نتیجه آزادی مشروط این است که محکوم زندان را ترک و به زندگی اجتماعی بر می‌گردد و برای مأمورین زندان این است که محکومین برای اخذ آزادی مذکور مطیع و فرمانبردار گردیده و قوانین و مقررات

۲- الف: محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

۳- پ: به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را پردازد یا قرار یا ترتیب آن ترتیب دهد.

زندان را در ضمن بازداشت رعایت می‌نماید. پس از آزادی نیز برای مدتی مجبورند طبق شرایطی که در موقع آزادی امضاء نموده‌اند، به کار مشغول در نتیجه کم کم به زندگی شرافتمندانه مأنوس و دست از یاه‌گری و اداره زندگی از راه غیرقانونی بر می‌دارد. همچنین می‌توان گفت که، آزادی مشروط سبب می‌گردد مجرم زودتر به آغوش خانواده بازگشته و از آثار زیانبار اقتصادی که بنیان خانواده و جامعه را تهدید می‌کند جلوگیری شود.

با صدور حکم آزادی مشروط محکوم علیه از تحمل مجازات حبس به طور موقت معاف شده و باید در مدت آزادی دستورات و شرایط تعیین شده توسط دادگاه را رعایت کند. لذا در صورت تخلف یا ارتکاب جرم جدید در دوران آزادی مشروط حکم صادره لغو می‌شود و بقیه محکومیت به اجرا درخواهد آمد و آثار تبعی محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می‌گردد. در صورت رعایت شرایط و دستورات در دوران آزادی، آزادی وی پس از انقضای آن مدت قطعی می‌گردد، ولی این قطعیت آزادی به معنی زوال محکومیت کیفری از تحمل کیفر برخلاف تعلیق مجازات نیست. مطابق با ماده ۶۰^۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند. بدین ترتیب و با لحاظ مفهوم مخالف این ماده، می‌توان این گونه نتیجه‌گیری نمود که التزام به دستورهای مراقبتی صادره از سوی دادگاه از سوی مرتکب، در حقوق ایران می‌تواند بزه‌کار را از آزادی نهایی برخوردار سازد. بدین ترتیب، باید گفت که با لحاظ این ماده در حقوق ایران، آزادی نهایی مرتکبی که ملتزم به دستورات و تدابیر مراقبتی صادره از سوی دادگاه بوده، به‌عنوان دلیل و نه اماره برای برخورداری وی از آزادی مطلق محسوب می‌گردد. با توجه به صراحت قانونی، تبعیت از دستورات دادگاه موجب آزادی مطلق فرد محکوم می‌شود.

۴- ماده ۶۰: دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند.

در حقوق ایران، مقنن صراحتاً به بیان ضمانت اجرا و آثار ناشی از عدم التزام به دستورها و تدابیر دادگاه صادرکننده آزادی مشروط پرداخته است. همچنان که از مفاد ماده ۶۱^۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر می آید، مقنن ایرانی، اثر و ضمانت اجرای عدم تبعیت از دستورات دادگاه را در دو مرحله پیش‌بینی نموده است. بدین توضیح که در مرحله اول، شخص بدون عذر موجه ملتزم به تبعیت از تدابیر و دستورات دادگاه نمی‌گردد، یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی اضافه نموده و در صورت تکرار آن، قرار لغو آزادی مشروط را صادر می‌نماید. همچنین آزادی مشروط هیچ‌گونه اثری در حقوق خصوصی افراد ندارد و حتی اگر شخصی در اجرای ماده ۶۹۶^۶ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و یا ماده ۷۲^۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳ بازداشت شده باشد، حق درخواست آزادی مشروط را نخواهد داشت، چون این حبس ضمانت اجرای پرداخت حقوق خصوصی اشخاص است (زراعت، ۱۳۹۲، ج ۲، ۲۸۷). لازم به ذکر است، حتی با صدور کیفرخواست هم نمی‌توان آزادی مشروط را فسخ نمود، چون امکان این که کیفرخواست در شعب کیفری دادگاه‌ها رد گردد و مورد پذیرش واقع نگردد، وجود دارد. پس فقط با صدور حکم قطعی لازم الاجرا می‌توان آزادی مشروط را فسخ نمود. از دیگر آثار آزادی مشروط این است که باعث می‌شود در مخارج عمومی کشور صرفه‌جویی شده و به جامعه، هزینه نگهداری زندانی تحمیل نگردد. در غیر این

۵- ماده ۶۱: هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء در می‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.

۶- ماده ۶۹۶: در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفاء حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود.

۷- ماده ۲: مرجع اجراکننده رأی، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجراییه یا مجری نیابت، مکلف است به تقاضای محکوم له از طرق پیش‌بینی شده در این قانون و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد، نسبت به شناسایی اموال محکوم علیه و توقیف آن به میزان محکوم به اقدام کند.

صورت، جامعه ناچار است به طور غیر مستقیم هزینه آن‌ها را متقبل شده و این وجوه بی جهت، صرف عده‌ای از افرادی شود که حقوق جامعه را نادیده گرفته‌اند (شامبیاتی، ۱۳۹۳، ۱۸۰).

آزادی مشروط، اصولاً اثر اصلاحی دارد، چون علاوه بر موظف کردن فرد برای داشتن حسن رفتار در زندان به منظور استفاده از آزادی مشروط، در مدت آزادی مشروط نیز با داشتن زندگی صالح برای حفظ آزادی و تبدیل آزادی مشروط به آزادی قطعی، به نوعی به این زندگی شرافتمندانه عادت کرده و از تمایلش به انجام جرم کاسته می‌شود. پس از انقضای مدت آزادی مشروط و قطعی شدن آزادی، ارتکاب جرم از سابقه کیفری مجرم پاک نشده و به‌عنوان سابقه‌ای برای او باقی می‌ماند و در صورت ارتکاب مجدد جرم، حکم تکرار جرم در مورد وی اعمال می‌شود.

در حقوق کیفری فرانسه، آزادی مشروط مجازات را زائل و محکومیت را حذف نمی‌کند، بلکه محکوم علیه فقط موقتاً از تحمل مجازات باقیمانده از مجازات اصلی معاف شده و مجازات‌های تکمیلی باقی می‌ماند. معافیت از اجرای مجازات با شرایطی داده می‌شود، اگر این شرایط رعایت نشود پس گرفته خواهد شد. همچنین یکی از ویژگی‌های اساسی آزادی مشروط، نظارت بر محکوم علیه در مدت باقیمانده مجازات پس از آزادی از زندان است. محکومانی که به طور معمول به صورت مشروط آزاد شده‌اند، ملزم به رعایت شرایط مختلفی هستند که ممکن است کاملاً محدودکننده باشد و ممکن است به مواردی مانند محل زندگی و کار آن‌ها توجه کند. همچنین ممکن است لازم باشد که تحت درمان پزشکی یا روانپزشکی و آزمایش مواد مخدر قرار گیرند. عدم رعایت این شرایط می‌تواند منجر به لغو آزادی مشروط و بازگشت به زندان شود. اجرای شرایط و همچنین ارائه کمک و مشاوره معمولاً به عهده یک افسر است که محکوم به آزادی مشروط باید در فواصل زمانی مشخص شده به او گزارش دهد (Roges, 2000, 484). بنابراین پس از آزادی یک زندانی، هیأت آزادی مشروط بر رفتار و نگرش‌های او

نظارت می‌کند و می‌تواند تعیین می‌کند که آیا آن‌ها برای بهتر شدن تغییر کرده‌اند یا خیر؟

در حقوق کیفری فرانسه مجرمانی که برای اولین بار مجرم می‌شوند معمولاً پس از گذراندن نیمی از محکومیت خود آزاد می‌شوند. تکرارکنندگان جرم پس از مدت طولانی حبس، واجد شرایط آزادی مشروط هستند (Stefani, 2000, 578). حتی مجازات‌های دائمی می‌توانند مشمول آزادی مشروط شوند. ابتکار پیشنهاد آزادی مشروط با اداره زندان و قاضی اجرای مجازات است. پرونده بر مبنای پیشنهاد قاضی اجرای مجازات بعد از جلب نظر کمیسیون اجرای مجازات تشکیل می‌شود. این کمیسیون متشکل از

قاضی اجرای مجازات‌ها، دادستان شهرستان، رئیس مؤسسه زندان است. همچنین یک کمیته مشورتی آزادی مشروط وجود دارد که در مورد به تأخیر انداختن درخواست یارد آن نظر می‌دهد. در صورت نظر به رد آن، پیشنهاد بعدی فقط بعد از یک سال ممکن است داده شود. کمیته مذکور متشکل از دو قاضی، بازرس کل اداره زندان، قاضی رئیس قسمت عفوهای خصوصی و اجرای مجازات‌ها در وزارت دادگستری، یک قاضی از طرف مدیر زندان، نماینده وزارت دفاع برای کارهای مربوط به نظامیان، قاضی اجرای مجازات‌ها، یک کارمند از جامعه کارمندان مدیریت خدمات خارجی اداره زندان و یک نفر از اعضای کانون وکلا است. البته تصمیم نهایی اعطای آزادی مشروط با وزیر دادگستری است و در صورت موافقت، یک تصمیم وزارتی در این جهت صادر می‌شود. این تصمیم ممکن است تعیین تاریخ آزادی مشروط را با بعضی حدود به قاضی اجرای مجازات واگذار کند (Bernard, 1991, 28).

۳- شرایط اعطای آزادی مشروط در حقوق ایران و فرانسه

آزادی مشروط یکی از ابزار فردی کردن مجازات‌هاست و اعطای آن تابع قواعد و مقررات خاصی می‌باشد. زندانی که می‌خواهد از این نهاد ارفاقی استفاده کند، باید شرایط و تکالیفی را چه قبل و چه بعد از اعطای آزادی مشروط رعایت نماید که رعایت هر کدام از این تکالیف بر فلسفه خاصی استوار شده است. ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، محدودیتی را برای دفعات استفاده از آزادی مشروط برقرار نکرده است، بنابراین فقدان سابقه محکومیت کیفری که یکی از شرایط اعطای آزادی مشروط در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بود حذف گردیده است. بنابراین اگر محکوم مورد نظر، دارای چندین سابقه محکومیت به حبس باشد باز خواهد توانست از امتیاز آزادی مشروط استفاده بنماید، اما آنچه می‌بایست به آن توجه داشت این است که برابر بند چهارم ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استفاده از آن امتیاز عدم استفاده قبلی از آزادی مشروط لحاظ گردیده است.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطلبی مطرح شده که به کلی تازه و بی‌سابقه است، آن حکم ماده ۵۹ است که به دادگاه اختیار داده، فرد استفاده‌کننده از این مزیت را به اجرای دستورات مندرج در قرار «تعویق صدور حکم» ملزم کند. همچنین، محکومیت می‌بایست لزوماً حبس باشد، لذا اگر کسی به خاطر عجز از پرداخت جزای نقدی محبوس شود این حق برای او نیست. به طور کلی نظام آزادی مشروط در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است، از جمله این که در قانون پیشین صدور حکم آزادی مشروط در تمام مجازات‌های حبس مصداق داشته و شروط

استفاده محکوم از این نظام این بوده است که برای بار اول مرتکب جرم شده و معادل نصف مجازات را تحمل کرده باشد؛ اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این روش تغییر کرده و مقرر شده کسی مستحق استفاده از نظام آزادی مشروط است که در حبس‌های تعزیری بیش از ده سال نصف کیفر و در سایر موارد یک سوم آن را تحمل کرده باشد. در وضعیت کنونی محکومان به حبس ابد حق استفاده از آزادی مشروط را ندارند. در این خصوص، نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۱۱ مورخ ۱۳۸۱/۰۱/۱۵ این نظر را تأیید می‌نماید، زیرا حبس ابد مادام العمر بوده و مقید به مدت معینی نیست و لذا نمی‌توان نصف آن را تعیین کرد. بنابراین در مورد محکومان به حبس ابد آزادی مشروط متصور نمی‌باشد، مگر این که قانون‌گذار به طور صریح بیان کند.

بنابراین برای تحقق آزادی مشروط، مرتکب باید دارای شرایطی باشد که شرایط شامل برخورداری از حسن اخلاق، عدم تکرار جرم در آینده و جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی خود می‌باشد. همچنین صدور حکم آزادی مشروط نیازمند به رعایت یک سری تشریفات و آیین رسیدگی می‌باشد، ابتدا باید پیشنهاد آزادی مشروط پس بررسی اوضاع محکوم به قاضی مربوطه داده شود و پس از گذراندن شرایطی مورد تأیید قرار گیرد و یا رد می‌شود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیشنهاددهنده دادستان یا قاضی اجرای احکام است. رئیس زندان گزارش مربوط به وضع زندانی را در مورد این که همواره حسن خلق و رفتار داشته است و این که وضعیت او نشان می‌دهد که پس از آزادی، مرتکب جرم دیگری نخواهد شد، تهیه می‌کند و به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رساند و قاضی اجرای احکام مکلف است پیشنهاد آزادی مشروط را پس از احراز وجود شرایط، به دادگاه صادرکننده حکم تقدیم کند. دادگاه نیز پس از بررسی پیشنهاد آزادی، می‌تواند نسبت به صدور حکم آزادی مشروط اتخاذ تصمیم نماید.

باید توجه داشت که دادگاه، تکلیفی برای صدور حکم آزادی مشروط ندارد. به بیان دیگر مخیر است که پیشنهاد سازمان زندان‌ها را بپذیرد یا رد کند. در این مورد تأیید و صدور حکم آزادی مشروط منوط به جلب رضایت و جبران تمام و کمال ضرر و زیان شاکی خصوصی نیست، بلکه این دادگاه است که تشخیص می‌دهد شخص محکوم چه اقدامی برای جبران ضرر و زیان شاکی خصوصی باید انجام دهد. در این حالت دادگاه استطاعت محکوم را در نظر می‌گیرد. بنابراین ممکن است صدور حکم آزادی مشروط را منوط به جبران کلیه خسارات کند و ممکن است ترتیبی دیگر برای جبران آن اتخاذ

کند. در نهایت باید اشاره کرد که آثار تبعی و تکمیلی جرم به قوت خود باقی می‌ماند و با آزادی مشروط رفع نمی‌شود و همچنین محکومیت کیفری در سجل کیفری مجرم ثبت می‌شود و با تکرار عمل مجرمانه مشمول قاعده تکرار می‌گردد.

در حقوق کیفری فرانسه، قلمرو آزادی مشروط محدود به مجازات‌های سالب آزادی است. آزادی مشروط این پتانسیل را دارد که بخشی مستقل از فرآیند توانبخشی باشد که این امر می‌تواند مشوقی برای بازپروری محکومان و کمک به دستیابی به هدف اجتماعی باشد. پس آزادی مشروط یک اقدام تعدیل مجازات زندان است که به یک زندانی اجازه می‌دهد تا قبل از پایان دوره محکومیت خود تحت شرایط خاصی آزاد شود. زندانی که خواهان آزادی مشروط است باید آن را درخواست کند. دادگاه‌ها رفتار و یا وضعیت شکننده آن‌ها را در ارتباط با سن، وضعیت سلامتی و... بررسی می‌کنند. این زندانی پس از آزادی تحت نظر است و عدم رعایت شرایط ممکن است منجر به بازگشت وی به زندان شود (Couvart, 2002, 876). محکومان تنها در صورتی می‌توانند از آزادی مشروط بهره‌مند شوند که تلاش جدی در توانبخشی اجتماعی نشان دهند. همچنین قضات زمانی می‌توانند حکم غیرحبس را در نظر بگیرند که واقعیات، شخصیت و وضعیت اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی مجرم مشخص شود. آزادی مشروط هرگز بدون قید و شرط نیست و زندانیان باید به صورت کتبی با شرایط تعیین شده توسط هیأت آزادی مشروط موافقت کنند و عدم رعایت شرایط آزادی مشروط می‌تواند منجر به بازگشت به زندان شود. این شرایط عبارتند از: آن‌ها نباید مرتکب تخلف شوند، آن‌ها نباید سلاح تهاجمی داشته باشند، آن‌ها باید تحت نظارت یک افسر اصلاحات جامعه باشند، آن‌ها باید از هر دستور منطقی دادگاه پیروی کنند. بنابراین در مواردی که هیأت تصمیم به آزادی مشروط یک مجرم می‌گیرد، مجرم مشمول یک سری شرایط می‌شود که در صورت عدم رعایت آن‌ها، منجر به نقض روند آزادی مشروط و احتمالاً لغو آزادی مشروط می‌شود.

۴- پایان آزادی مشروط در حقوق ایران و فرانسه

بعد از این که حکم به آزادی مشروط متهم داده شده دادگاه موارد و شرایطی را برای متهم در نظر می‌گیرد که بر خورد متهم با این شرایط تکلیف او را مشخص می‌نماید که در صورت رعایت آن‌ها آزادی مشروط او تبدیل به آزادی قطعی شده و در صورت عدم رعایت آن‌ها آزادی مشروط او سلب و بنا بر مقررات با او رفتار خواهد شد. مطابق با ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مدت آزادی

مشروط شامل بقیه مدت مجازات می‌شود، لکن دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد، جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است. به‌عنوان مثال، اگر مجازات جرمی سه ماه تا دو سال حبس باشد و قاضی فاعل این جرم را به نه ماه حبس محکوم نماید و محکوم علیه سه ماه از مدت محکومیت خود را تحمل نماید و سپس با استفاده از آزادی مشروط از زندان آزاد گردد در این صورت با وجود این که بقیه مدت محکومیت شخص مورد نظر فقط شش ماه بوده است، مع‌الوصف قاضی می‌تواند با توجه به قسمت اخیر ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حکم آزادی مشروط وی را به مدت شش ماه در نظر بگیرد. همچنین ترتیبات و شرایطی که سبب لغو حکم آزادی می‌شوند، ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت و تکرار تبعیت نکردن از دستورهای دادگاه در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه سبب لغو حکم آزادی مشروط است.^۸ به عبارتی آزادی مشروط همچون آزمونی برای مجرم است که می‌توان مواد امتحانی آن را عدم ارتکاب مجدد جرم و اجرای دستورات دادگاه دانست که محکوم علیه با موفقیت در این آزمون جواز آزادی قطعی را می‌یابد.

در حقوق کیفری فرانسه، لغو آزادی مشروط و در نتیجه حبس مجدد ممکن است ناشی از محکومیت دیگر، یا عدم پایبندی به شرایط اعلام شده در تصمیم آزادی مشروط باشد. بر این اساس، فسخ آزادی مشروط در صورت نقض یا عدم رعایت مقررات مربوطه و در صورت بدرفتاری مشهود و همچنین محکومیت جدید متهم منجر به پایان آزادی مشروط است. البته تصمیم فسخ آزادی مشروط برای قاضی اختیاری است. بند اول ماده ۷۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه یکی از موارد لغو آزادی مشروط را عدم رعایت یکی از الزامات تحمیل شده بر محکوم دانسته است. شرایط و تکالیفی را که قانون‌گذار می‌تواند قبل از اعطای آزادی مشروط از محکوم علیه بخواهد بسیار متنوع و گوناگون است. بخشی از آن‌ها مربوط به محتوای تلاش‌های مطابقت مجدد اجتماعی هستند که در ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ذکر شده‌اند که بخشی از آن‌ها می‌تواند در محیط زندان یا خارج از آن تأمین شود. به هر حال آزاد شده مشروط در پذیرش این تدابیر اختیار دارد ولی هرگاه این تدابیر را بپذیرد، ملزم به رعایت آن‌ها می‌باشد و ضمانت اجرای تخطی از این تدابیر، لغو آزادی مشروط است (تدین، ۱۳۸۲، ۱۳۸).

همچنین در حقوق کیفری فرانسه به استناد بند اول ماده ۷۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «محکومیت جدید» و بدرفتاری مسلم از موارد لغو آزادی مشروط به حساب می‌آید.

نتیجه

با توجه به مطالبی که بررسی شد، این نتایج حاصل می‌شود:

آزادی مشروط را می‌توان مفهوم موسع مجازات حبس عنوان نمود که به دادگاه‌ها، قضات و محاکم عمومی این اختیار را می‌دهد تا با اعمال شرایطی حبس زدایی را متوقف نمایند. در حقوق کیفری فرانسه شرایط آزادی مشروط برای محافظت از قربانیان و جامعه، کاهش احتمال وقوع جرم بیشتر و حمایت از توانبخشی مداوم مجرم طراحی شده و ماهیت آن منبعث از جایگزین‌های حبس است به طوری که حبس زدایی و حمایت از آزادی‌های فردی هدف این نظام است. در حقوق کیفری فرانسه یک زندانی بالغ که واجد شرایط آزادی مشروط است، تنها در صورتی می‌تواند به صورت مشروط آزاد شود که هیأت آزادی مشروط بزرگسالان تصمیم به اعطای آزادی مشروط بگیرد و شرایط آزادی مشروط را تعیین کند. در بررسی اعطای آزادی مشروط، هیأت طبق قانون موظف است ایمنی و حفاظت از جامعه را به‌عنوان مهم‌ترین ملاحظات در نظر بگیرد.

در حقوق کیفری ایران، اجرای مواد مربوط به نظام آزادی مشروط مستلزم فراهم نمودن زیرساخت‌ها و مقدماتی است. با توجه به این که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای حبس زدایی تأسیسات حقوقی مفیدی از قبیل تعویق صدور حکم، تخفیف و معافیت مجازات، نظام نیمه آزادی و مجازات‌های جایگزین حبس به‌ویژه مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده، لیکن برای هرچه بهتر اجرایی شدن این قانون اقداماتی لازم است از جمله این که قضات محاکم با بررسی ضوابط مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با هدف کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و مصون ماندن مجرمین و خانواده آنان از آثار منفی زندان، از صدور حکم حبس در مورد افراد واجد شرایط اجتناب نمایند. همچنین محاکم تجدیدنظر در مقام تجدیدنظر نسبت به احکام، اقدام مقتضی نسبت به اعمال تأسیسات حقوقی مذکور به عمل آورند و شرایطی فراهم گردد تا افرادی که به موجب نهاد معافیت از کیفر از مجازات مصون می‌مانند مورد نظارت غیرمستقیم قرار گیرند و نتیجه مثبت و منفی این نهاد در طولانی مدت با در نظر گرفتن هدف اصلی یعنی اصلاح و درمان مجرم، مورد ارزیابی قرار گیرد.

به نظر می‌رسد بهتر بود با توجه به نوآوری‌هایی که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۹۲ ایجاد نموده نهادی را برای نظارت و کنترل بر افراد در دوره آزادی مشروط پیش بینی می نمود. اما متأسفانه نهاد مراقبتی لازم پیش بینی نشده و شاید بتوان مجرم را در آینده از طریق نظارت الکترونیکی تحت کنترل قرار داد. علاوه بر این از آنجا که فرد در مدت آزادی مشروط برای حفظ آزادی و عدم بازگشت به زندان سعی می کند، از کارهای خلاف دوری کند، بهتر است برای ادامه این رویه شرایطی برای اشتغال محکومان پس از آزادی مشروط فراهم آورد تا مجدداً به بهانه کسب روزی سراغ ارتکاب جرم نروند. همچنین باید تدابیری اندیشیده شود که در آزادی مشروط مانند تعلیق اجرای مجازات، جرم از سابقه کیفری فرد پاک شود؛ چون با انصاف سازگار نیست، در تعلیق اجرای مجازات که مجازات در مورد فرد اجرا نمی شود، جرم از سابقه کیفری متهم پاک شده؛ اما در آزادی مشروط که مجرم نیمی از مجازات را تحمل کرده و با حسن رفتار مستحق دریافت آزادی مشروط گردیده و در مدت آزادی مشروط نیز زندگی شرافتمندانه‌ای را در پیش گرفته، جرم در سابقه کیفری او درج شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۴، **تقریرات دوره دکتری حقوق جزای عمومی**، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- تدین، عباس، ۱۳۸۲، مطالعه تطبیقی آزادی مشروط در حقوق کیفری ایران و فرانسه، **پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی**، دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۷، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- زراعت، عباس، ۱۳۹۲، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- زراعت، عباس، ۱۳۹۴، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات ققنوس.

- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۳، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران، انتشارات ژوبین.
- صانعی، پرویز، ۱۳۹۳، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- نوربها، رضا، ۱۳۸۸، **زمینه حقوق جزای عمومی**، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات گنج دانش.

لاتین

- Bernard, Bouloc, 1991, Penologie, paris, Dalloz.
- Couvart, Pierre, 2002, La Liberation conditionnelle entre son passé et son avenir, in revue de sciences criminelles et de droit penal compare, n° 4, oct, dec.
- Encyclopedie juridique, 2001, penal (Martine Herzong- Evans, la liberation Conditionnelle) , paris, Dalloz.
- Roges, Perrot, 2000, Institutions judiciaires, 9ed, paris, Montchrestien.
- Stefani, Gaston et, 2000, Droit penal general, 17 ed, paris, Dalloz.

